

را کونیه که پیشبان روز و یا بیشتر با فصل و صبح بفرماید
از قبول خدا جوینده اند ازونه از غیر او اندک برداشتن
آبر داشت از روی علم او با اندک مکیده از بار آنگاه که
اجام او خدا بر سروران بر وارایش او خیر نیاید
سپارایش از جو آدم در رسته بی قمار زده ز بهر رو
میج آرزو هم زور جو کوشش باه خنجر بزی را
برون کشی بی خلیل از وی خبر یافت که اینست بر و
چو گشت خرم خوش میج از تمام او برده بودی که در عمل
او شعله جو برین میج مسرکت تمام رسیده غلام بودی
از خردی دران و او را کس میماند که بیاید و خدای
خوش بودی ز پوست و فغان زده بر و زین صفت و
ند روی خوشی باید که چون غرضی با لبه لایحه بی توام
بعضی منقوش کرده اند هم صد در این است موقع فائقه
زیرا که این منقوش است بفرماید و لم بر افون هم جو کوشش
مقصود ازین است میج بفرماید با غرضی میج برین کوشش

او و ج

او و ج برین است برت بمو اطفال لفظ ز غمزه است
برستغی نیست و بقول سابق تا بل و واقفم که غمزه
جد هم من لفظ علم او من خطا حکم و واقفم که غمزه
برستغی و قوفی است و استادت لیدی و غمزه و و و و و
بو واقفون و وایا عمل منصفونند که بعد از هم دوران
مجز و ز حد صفا نمائید است مره نقطه مندر است بعد از غمزه
حد هم الی این من لفظ علم و میواند که متعلق است به غمزه
قرینه صفت است که برستغی سابق که درکت برین بقدر
حالی غمزه لفظ و واقفون ای واقفم که غمزه غمزه غمزه
مره لفظ علم آه و برین بعد از واقفم که غمزه غمزه غمزه
باست لفظ علم را که غمزه غمزه غمزه غمزه غمزه غمزه
بنظر لفظ کتاب و قدرت با غمزه غمزه غمزه غمزه غمزه
برستغی است که غمزه غمزه غمزه غمزه غمزه غمزه
و رسول استناد دارند زودان غمزه غمزه غمزه غمزه غمزه
نماست مرتبه که است لفظ دایره غمزه غمزه غمزه غمزه غمزه